

واکاوی کاربرد آیات قرآنی و احادیث در مقامات حریری

صادق هاشمی امجد (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

s.amjad0936@gmail.com

دکتر مهدی خرمی سرحوضکی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

دکتر حسن مجیدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

دکتر سید مهدی نوری کیدقانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

چکیده

بازتاب الفاظ و مفاهیم آیات قرآن و احادیث به شیوه‌های مختلف همواره زینت بخش آثار اهل علم و ادب بوده است. این شیوه‌ها از منظر هنری و بلاغی در یک سطح نیستند؛ یعنی پی بردن به محتوای ارزشمند آن‌ها، گاه آشکار و گاه پنهان است. دستیابی به مفاهیم آشکار به صرف آشنایی ظاهری با آیات و روایات میسر است، چنان‌که از قدیم فرقه‌ظاهریه به همین شهرت یافته‌اند. لکن دریافت اغراض پنهان از عهده کسانانی برمی‌آید که پیش از مهارت در انواع فنون و صناعات ادبی، با علوم و ادبیات قرآن و حدیث انس داشته و عمر خود را در پیچ‌وخم این راه سپری کرده‌اند. مقامات حریری از جمله آثاری است که از این منظر درخور توجه و بررسی است. رواج مفاهیم قرآنی در مقامات، از قرن پنجم به بعد و انس و الفت حریری با متون دینی و توجه وی به نکات اخلاقی اهمیت ویژه‌ای به این واکاوی می‌بخشد. حریری به دو شیوه لفظی و معنوی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است. این اثرپذیری در مقامات حریری بیشتر به شکل تلمیح، تأثیر تطبیقی، تأثیر واژگانی در انواع وام‌گیری و برابری‌سازی، تأثیر الهامی بنیادی و تأثیر گزارشی صورت گرفته است. **واژگان کلیدی:** آیات قرآن، احادیث، مقامات حریری.

اقتباس یعنی نویسنده یا شاعر در ضمن کلام و شعر خویش آیه و حدیثی بیاورد و به گونه ای نشان دهد که مأخذ گفتارش کجاست.^۱ به نحوی که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال.^۲ در واکاوی متون کمتر متنی را می توان یافت که از عبارات و مضامین آثار پیش یا همزمان خود تأثیر پذیرفته باشد. نظریه پردازان معاصر، متن های ادبی و غیر ادبی را دارای معنای مستقل نمی دانند.^۳ فوکو درباره تأثیر و تأثر متون از یکدیگر می گوید: «مرزهای یک کتاب به طور کافی مشخص نمی شوند. در پس عنوان، سطرهای آغازین، واژه های فرجامین، ساختار درونی و شکل و ظاهر کتاب که به آن استقلال نسبی می بخشند، منظومه ای از ارجاعات وجود دارند که به متون دیگر حواله می دهند و این مسئله، آن کتاب را به گرهی در درون شبکه ای وسیع و جزئی از یک کل فراگیرتر بدل می کند».^۴ در عرصه فرهنگ اسلامی، ریشه همه دانش ها به کلام وحی الهی باز می گردد.^۵ ادیبان، همواره از طریق آمیزش کلمات آثار خویش با کلمات نورانی قرآن و حدیث، خلق هنری خود را ارزشی دوچندان بخشیده اند. بهره گیری از آیات و احادیث در سخن ادیبان از قرن چهارم تا نیمه ی نخست سده ی پنجم در حد انتقال معنای سخن مفید بوده؛ اما از نیمه ی نخست سده ی پنجم به بعد، توجه به معارف اسلامی، تحولاتی را در نظم و نثر به وجود آورد که یکی از برجسته ترین این تغییرات استفاده از آیات قرآنی در حوزه معنایی و آرایش کلام در حدی متعارف و تهی از تکلف است.^۶ در آغاز قرن ششم هجری قمری، اقتباس از آیات و احادیث در اقسام مختلف نثر راه یافت گرچه برخی نویسندگان در این راه به حدی افراط کردند که گاه معانی و عبارات متونشان تنها برای پیوستن به ترکیبات عربی به رشته کلام ابداع می شد.^۷ پژوهش در ابعاد گوناگون اثر پذیری متون ادبی از آیات قرآنی و احادیث، از مباحث مهم مطالعات تطبیقی و نقد ادبی است که از آن تحت عنوان پژوهش در منابع الهام آثار ادبی یاد می کنند. اصلی ترین تأثیر آیات و احادیث بر ادبیات عربی را باید در دو حوزه لغت و محتوا جستجو کرد. ادیبان با رویکرد ادبی آیات قرآن را برای زیبایی بیشتر متون خود به کار می برند و از این رهگذر به بلاغت متون خود می افزایند. حریری از آن دسته نویسندگانی است که تأثیر قرآن زمینه ساز طبع آزمایی وی شده و در جای جای مقامات خود از الفاظ و مفاهیم آیات قرآن و احادیث سود جسته است. از آنجا که مفاهیم والای قرآنی زیر بنای فکری ادب حریری را تشکیل داده اند، مضامین بلند و اخلاقیات انسان ساز این کتاب آسمانی مایه معنوی مقامات وی شده است. پژوهش پیش رو درصدا پاسخگویی به پرسش های زیر است:

۱- آیات قرآن چگونه و به چه هدفی در مقامات حریری بازتاب یافته اند؟

۲- تصاویر برگرفته از قرآن در مقامات حریری چه کارکردی دارند؟

۱- شهاب الدین محمود، حسن التوصل إلى صناعة التوسل، ۳۲۳.

۲- حلبی، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، ۶۸.

۳- آلن، بینامتنیت، ۱۱.

۴- فوکو، «نقد چیست؟»، ۴۱.

۵- رضایی حمزه کندی، الشعر العربي و شعراؤه في آذربيجان، شعراي عربي سراي آذربايجان، ۳۵.

۶- شمسیا، کلیات سبک شناسی، ۷۷.

۷- خطیبی، فن نثر در ادب فارسی، ۲۰۱.

۳- بسامد کدام شیوه های اثرپذیری از قرآن کریم در مقامات حریری بیشتر است؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با کارکرد آیات قرآن و احادیث در متون ادبی پژوهش های متعددی صورت گرفته است؛ اما این امر در ارتباط با مقامات حریری مورد بی مهری پژوهشگران واقع شده است؛ اگرچه در ارتباط با بازتاب الفاظ و معانی قرآنی در مقامات یاد شده پژوهش هایی به انجام رسیده است که از مهم ترین آنها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

شاملی، نصرالله، و قاسم نژاد، زهرا (۱۳۸۹)، اقتباسات قرآنی در مقامات حریری، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال ۱، شماره ۲. در این پژوهش نگارندگان صرفاً به استخراج اشارات قرآنی در برخی از مقامه های حریری و نیز همسانی یا عدم همسانی آنها با آیات و احادیث از نظر معنایی پرداخته و تبیین و تحلیل این تأثیرپذیری، شیوه و کارکرد آن از سوی آنها مغفول مانده است.

امیدوار، احمد و محمدی مزرعه شاهی، مجتبی و مهدوی، مجید (۱۳۹۴)، تناص قرآنی در مقامات حریری (مطالعه موردی در مقامه السمرقندیه و الرازیه)، دو فصلنامه عیون، سال دوم، شماره ۲. مهم ترین دستاورد پژوهش مذکور حاکی از آن است که واضح ترین شکل بینامتنی قرآن با دو مقامه (السمرقندیه و الرازیه) به صورت نفی متوازی یا امتصاص صورت گرفته است.

این پژوهش می تواند از آن جهت که به واکاوی تأثیرپذیری حریری از کتاب آسمانی و احادیث و نقش آنها در تزئین کلام و غنی ساختن نثر در دو حوزه معنایی و ادبی اهتمام می ورزد، از سایر پژوهش های پیشین که ابعاد دیگری از مقامات وی را کاویده اند یا تنها به ذکر نمونه های اندکی از بازتاب آیات قرآن و احادیث بدون ذکر کاربرد آنها پرداخته اند، متمایز گردد.

۲- شیوه ها و گونه های اثرپذیری حریری از آیات قرآنی و احادیث

جستجوها در زمینه تأثیرپذیری ادیبان از مفاهیم والای قرآن و احادیث حاکی از آن است که شیوه استفاده آنها از مفاهیم یاد شده یکسان نیست، بلکه صور کاربرد و میزان استفاده در دیوان هر شاعر متغیر است.^۸ برخی، اقتباس های قرآنی را به سه قسم مقبول، مباح و مردود دسته بندی کرده اند.^۹ مراد از اقتباس مقبول آن است که در خطبه ها و موعظه ها و عهود و نعت حضرت رسول (ص) و أمثال آمده و مقصود از مباح آن است که در غزل، رسایل و قصه ها آمده باشد؛ اما نوع مردود بر دو قسم است؛ اول آن چیزی است که خدای تعالی آن را به ذات خود نسبت داده باشد و شخص آن را برای خود نقل کند، دوم اینکه آیه کریمه برای هزل به کار گرفته شود.^{۱۰} حریری در چهل و یک مقامه از مجموع پنجاه مقامه خویش به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آیات قرآنی و احادیث تأثیر پذیرفته و در این راه متونی آفریده است که ارتباط واضحی با آیات الهی و احادیث دارد و نمونه بارز و ثمره این تأثیر پذیرها است؛ زیرا گفته اند: الثَّمَرَةُ تُبْنِي عَنِ الشَّجَرَةِ.^{۱۱} در این پژوهش، روش کار مبتنی بر دو شیوه است. در

۸- رسمی، نوای غیب در پرده ی راز، ۱۷۹.

۹- سیوطی، الإقتان فی علوم القرآن، ۲۹۷/۱.

۱۰- ثابت الفندی، دائرة المعارف الاسلامیة، ۶۸۱/۳.

۱۱- محقق، تحلیل اشعار ناصر خسرو، ۷۱.

شیوه نخست، آیات و احادیث در دو سطح ارتباط لفظی و معنوی و در شیوه دوم، با عنوان انواع اثر پذیری بررسی می شوند و در هر بخش تحلیل انجام می گیرد.

۳- بررسی تأثیر پذیری حریری از آیات و احادیث در سطح سنتی و مرسوم

۱-۳- ارتباط لفظی آیات و احادیث

در این سبک، حریری عین آیه مورد نظر یا بخشی از آن را، در میان سخن و کلام خود قرار داده و به تبیین مفهوم و موضوع مورد نظر می پردازد که با آیه نیز در ارتباط است.

أ- پیوستن آیات و احادیث به متن بی هیچ فاصله

در این شیوه، اتصال آیات و اخبار به رشته نثر بدون هر گونه فاصله یا واژه ای که عبارت عربی را از نثر اصلی متمایز نشان دهد، صورت می پذیرد، چنان که گویی ترکیب اقتباس شده ادامه عبارت عربی است. نمونه های به کار برده شده، یا در همان معنی و مفهوم قرآن به کار رفته اند و یا نویسنده آنها را با هدفی متفاوت از هدف قرآن در سیاق و بفت کلام به کار گرفته است.^{۱۲}

۱- در مقامه «صنعاية»، ابوزید در لباس مسافری فقیر با یادآوری روز قیامت به سرزنش نمازگزاران می پردازد. راوی پس از اتمام نماز، به تعقیب ابوزید می پردازد و او را در کوهستان همراه یکی از همراهانش در حال نوشیدن شراب می بیند و می گوید:

«...فقلتُ له: يا هذا ايكونُ ذاكَ خَبْرِكَ وهذا مَخْبِرُكَ؟ فَزَفَرَ زَفْرَةَ الْقَيْظِ وَكَادَ يَتَمَيَّرُ مِنَ الْغَيْظِ».^{۱۳}

در متن یاد شده حریری بخشی از آیه ۸ سوره ملک (تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْغَيْظِ كُلُّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهُا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ) را بی هیچ فاصله ای پس از استفهام انکاری آورده است. این اقتباس که با واژه «الغیظ» پایان می پذیرد با قرار گرفتن در برابر واژه مانند «القیظ» افزون بر ایجاد موسیقی بیرونی خالق آرایه جناس ناقص اختلافی شده است.

۲- در مقامه «تفلیسیة» ابوزید در هیئت انسان فقیر بر راوی و عده ای از یارانش که در بیابان در حال ادا کردن فریضه نماز بودند وارد می شود و برای طلب کمک به شرح مصیبت های زندگی خویش می پردازد:

«...قال: يا أولى الأبصارِ الرّامقةِ والبصائرِ الرّائقةِ أما يغني عن الخبرِ العيانُ ويُنبي عن النَّارِ الدُّخانُ؟».^{۱۴}

در متن یاد شده عبارت «أما يغني عن الخبر العيان» با اختلاف اندکی از سخن مشهور رسول اکرم (ص) گرفته شده است. رشید الدین میبدی در «کشف الأسرار وعده الأبرار» در ذیل تفسیر آیات ۱۴۵-۱۵۴ سوره أعراف می گوید: «سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است، که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «ليس الخبرُ كالمُعائنة، أَخْبَرَ اللهُ موسى أن قومه قد ضلُّوا بعدة فلم يلق الألواح، فلما عاينهم ألقاهم فكسر منها ما كسر».^{۱۵} در عبارت یاد شده حریری مفهوم عبارت اقتباس شده از حدیث پیامبر (ص) را بدون هیچ فاصله ای از متن اصلی خویش ذکر

۱۲ - خطیبی، فن نثر در ادب فارسی، ۲۰۱.

۱۳ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۵۱/۱-۵۲.

۱۴ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۷/۳.

۱۵ - میبدی، کشف الأسرار وعده الأبرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله أنصاری، ۴۴/۳.

کرده است تا آنجا که تفکیک آنها از یکدیگر دشوار است؛ زیرا در عبارت پیش از اقتباس دو واژه «الأبصار و البصائر» ارتباط معنایی تنگاتنگی با مفهوم اقتباس شده دارند.

ب- پیوستن آیه و حدیث به نثر به صورت نقل قول

در این سبک، آیات و احادیث به شیوه نقل قول مستقیم در پی جملات می آیند و مانند جملات معترضه از قابلیت حذف برخوردارند:

۱- در مقامه «برقیعدیة»، قهرمان داستان در هیأت شیخی کور همراه همسرش از نمازگزاران روز عید فطر طلب کمک می کند. همسرش برگه هایی حاوی اشعاری در وصف اوضاع و شرایط بدشان در بین نمازگزاران پخش می کند، وقتی که پیرزن از دریافت کمک های مردمی مأیوس می شود برگه ها را به شیخ بر می گرداند در این زمان شیخ می گوید:

«...فَقَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».^{۱۶}

حریری از بخش هایی از آیات ۱۵۶ سوره بقره (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و ۴۴ سوره غافر (فَسْتَذَكِّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ) به شیوه نقل قول و پس از فعل (قال) در مفهومی موازی با نزول آیه یعنی در معنای توکل بر خدا و سپردن سرانجام کارها بعد از تلاش و کوشش سود جسته است.

۲- در مقامه «قهقریة»، قهرمان داستان در یک رقابت علمی با برخی از جوانان خردمند از آنان می خواهد نامه ای بنویسند که اگر از انتها به ابتدا به صورت معکوس خوانده شود دارای معنایی صحیح باشد:

«...فاسْتَمْلُوا مِنِّي وَاَنْقُلُوا عَنِّي: الْإِنْسَانُ، صَنِيعَةُ الْإِحْسَانِ وَرَبُّ الْجَمِيلِ فَعِلْ النَّدْبِ وَشِيمَةُ الْحُرِّ ذَخِيرَةٌ الْحَمْدِ».^{۱۷}

به نظر می رسد حریری عبارت یاد شده را از سخن حضرت علی (ع) «الإنسان عبد الإحسان» وام گرفته است.^{۱۸} با توجه به نمونه مذکور، می توان نتیجه گرفت که مشخصه بهره گیری از استناد به صورت نقل قول مستقیم، از وضوح بیشتری برخوردار است و حکم ضرورت را در انتخاب این نوع، برای موقعیت های خاص حتمی می سازد.

ج- پیوستن آیه یا بخشی از آن به متن از طریق ترکیب سازی (اضافی و وصفی)

در این سبک، آیه به منزله توضیح و استنادی برای سخن شاعر به شمار می رود. و شاعر برای انتقال معنای مورد نظر خویش، پیوستن آیه به شکل ترکیب های اضافی و وصفی ترجیح می دهد (علیخانی ثانی ابدال آبادی و میر، ۱۳۹۵: ۱۵۷). در اینجا به نمونه هایی از این نوع اشاره می شود.

۱- در مقامه «معریة»، قهرمان داستان با پسرش بر قاضی خسیس معره به بهانه شکایت وارد می شوند و در نهایت از او دینار و درهم دریافت می کنند و از مجلس شادمان خارج می شوند. قاضی از یکی از نگهبانانش می

۱۶ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۱۹۴/۱.

۱۷ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۴۶۱/۱.

۱۸ - التیمی الأمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، حکمت ۲۶۳.

خواهد که آن دو را برگرداند؛ زیرا حس کرده آنها افرادی شیاد هستند. هنگامی که نزد قاضی حاضر می شوند، قاضی به آنها امان می دهد که راست بگویند:
 «...أقدم الشيخ وقال:

وإِنَّمَا الدَّهْرُ الْمُسَىءُ الْمُعْتَدَى مَالٌ بِنَا حَتَّى غَدَوْنَا نَجْتَدَى

كُلَّ نَدَى الرَّاحَةِ عَذْبِ الْمَوْرِدِ وَكُلَّ جَعْدِ الْكَفِّ مَغْلُولِ الْيَدِ»^{۱۹}

در شاهد یاد شده حریری واژه های قرآنی (یدک مغلوله) را که بخشی از آیه ۲۹ سوره اسراء (وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) است به صورت عنصری دستوری در ترکیب اضافی (مغلول الید) در مقامه خویش به کار برده است. حریری ترکیب مذکور را که دو مفعول فعل «جعل» در عبارت «لا تجعل یدک مغلوله» است به صورت وارونه و با تقدیم واژه «مغلول» بر «ید» در همان معنی کنایی بخیل به کار برده است. کارکرد آیه قرآنی یاد شده در مقامات حریری ادبی بلاغی است به این صورت که حریری با ذکر ترکیبی قرآنی در میان مقامه خود ضمن استفاده از معنی آن، ذهن مخاطب را نیز به مفهوم آیه سوق داده است.

۲- در مقامه «سمرقندیّه» حریری شاهد ترکیب سازی از نوع وصفی هستیم آنجا که حریری از زبان ابوزید قهرمان مقامات به عنوان تحمیدیّه خطبه خویش در مسجد جامع می گوید:

«...وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ. الْعَادِلُ الصَّمَدُ. لَا وَلَدَ لَهُ وَلَا وَالِدًا.»^{۲۰}

عبارت های یاد شده از آیات ۱-۳ سوره اخلاص اقتباس شده است. حریری در این متن از راه تعامل با واژگان سوره توحید و ایجاد تغییراتی اندک در آنها به نقل کامل مضمون سوره اخلاص در متن خود اهتمام ورزیده است به این ترتیب که جمله «هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ» با آیه اول سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) به طور مستقیم تعامل دارد و جمله «الْعَادِلُ الصَّمَدُ» با آیه دوم این سوره یعنی (اللَّهُ الصَّمَدُ) در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد. حریری دو واژه «أحد و الصمد» را به عنوان صفت برای موصوفات خویش از آیات یاد شده، اقتباس کرده است. افزون بر اقتباس مضمون و الفاظ، صاحب مقامه از اقتباس موسیقایی نیز بهره برده است و موسیقی متن خود را با به کار بردن کلماتی چون (أحد و صمد) هماهنگ با موسیقی سوره مبارکه توحید قرار داده تا خواننده را در یک فضای قرآنی و معنوی قرار دهد.

۲-۳- کیفیت ارتباط معنوی آیات

در این سبک، با انواع تازه ای برخورد می کنیم که هدف از آنها تنها اخبار، آگاهی و نقل قول نیست، آنچنان که در بخش کاربرد لفظی آیات بدان گریز زده شد، بلکه آیات جنبه استشهاد، تأکید، ارسال المثل، توصیف و.... دارند و حریری این شیوه ها را به عنوان یک ادات مؤثر برای محقق ساختن هدف یا تأیید در بیان موضوعی به کار می گیرد.

۱۹- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۲۲۸/۱.

۲۰- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۳۳۶/۲.

أ-تتميم و تکميل

در این نوع که بالاترین حد تناسب، ظرافت و دقت در فن اقتباس قلمداد می شود، آیات و احادیث نه تنها از نظر لفظ، بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل در ادامه متن اصلی آورده می شود.^{۲۱} ابن رشيق قیروانی در کتاب «قُراضَةُ الذَّهَبِ فِي أَشْعَارِ الْعَرَبِ» می گوید: «منبع و مصدر هر گفتاری، گفتار پیش از آن است حتی اگر کشف روابط بین متون و وابستگی های متنی کاری آسان نباشد به هر شکل سخن از سخن می آید، هر چند که راهش پنهان و رابطه اش دور باشد.»^{۲۲}

۱- حریری در مقامه «طیبیه» شیوه تميم و تکميل را از زبان راوی مقامات حارث بن همّام در جمع حج گزاران بنی شیبه که به منظور زیارت آرامگاه پیامبر «ص» قصد رفتن به «مدینه النبی» را داشتند، به کار برده است، آنجا که می گوید:

«حكى الحارثُ بنُ همّامٍ قال: أجمعتُ حينَ قُضيتُ مناسِكَ الحجِّ وأقمتُ وظائفَ العجِّ والشَّحِّ.»^{۲۳}

حریری به منظور تميم و تکميل کلام خویش تعاملی آگاهانه با متن غایب پیامبر (ص) بر قرار ساخته و الفاظ خود را بدون هیچ مکث یا اختلاف معنایی به متن خویش وصل کرده است. صحیح ترمذی می گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سُئِلَ: أَيُّ الْحَجِّ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْعَجُّ وَالشَّحُّ»،^{۲۴} بنابراین از آنجا که فضای متن یاد شده توصیف حج گزاران است بهره گیری از مضمون و لفظ حدیث با حال و هوای مقامه هماهنگی تام دارد. حریری با اقتباس عین عبارت و قرار دادن آن در آخر جملات متن خود و برقراری سجع، موسیقی کم نظیری را ایجاد کرده است.

۲- در مقامه «حلوانیه» پس از آنکه أبوزید مهارت ادبی خود را با شعرخوانی به منظور پاسخ گفتن به یکی از شاعران فصیح حاضر در مجلس آشکار می سازد و حاضران را به شگفت می آورد و خود را سراینده آن شعر معرفی می کند، حاضران با ناباوری به او می نگرند و او شک و تردیدشان را با ذکر بخشی از یک آیه قرآنی برطرف می سازد، راوی صحنه یاد شده را اینگونه به تصویر می کشد:

«...فَتَوَجَّسَ مَا هَجَسَ فِي أَفْكَارِهِمْ وَفَطِنَ لِمَا بَطَنَ مِنْ اسْتِنْكَارِهِمْ وَحَادَرَ أَنْ يَفْرُطَ إِلَيْهِ ذَمٌّ أَوْ يَلْحَقَهُ وَصَمٌّ فَقَرَأَ:

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ.»^{۲۵}

حریری در متن یاد شده بخشی از آیه ۱۲ سوره حجرات (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ) را به عنوان تيممه و تکمله کلام خویش آورده است؛ زیرا او از چهره های بهت زده آنان دریافت که نسبت به سخنان او شک و تردید دارند، لذا این آیه را به عنوان رفع سوء تفاهم پیش آمده بیان نمود.

ب-تشبيه و تمثيل، ارسال المثل یا مثل

۲۱ - خطیبی، فن نثر در ادب فارسی، ۱۲۷.

۲۲ - ابن رشيق، قراضة الذهب في أشعار العرب، ۸۳.

۲۳ - القيسي الشريشي، شرح مقامات الحريري، ۴۳۱/۲.

۲۴ - ترمذی، الصحيح الترمذی، ۸۲۷.

۲۵ - القيسي الشريشي، شرح مقامات الحريري، ۷۴/۱.

تصویر پردازی هایی از قبیل تشبیه، تمثیل، ارسال المثل و.... در قرآن از بسامد فزاینده ای برخوردار است. گاهی اقتباس با صنعت ارسال المثل همراه می شود و در این صورت باید آن را جزو صنایع بدیعی شمرد و این همراهی اغلب در جایی است که مثل مشهور یا شبه مثل را اخذ کرده باشند خواه این مثل یا شبه مثل از آیات قرآنی و احادیث باشد یا غیر از آن.^{۲۶} هدف از کاربرد این نوع تصویرپردازی ها به شکل آیات در عبارات ادبی، در اکثر کتب بلاغی و صور خیال از آنها یاد شده است:

۱- در مقامه «حلوایه» قهرمان داستان در جواب یکی از ادیبان حاضر در مجلس که به شیوایی شعری سروده و حاضرین را به شگفت آورده بود، شعری می خواند و همه را مجذوب خود کرده و خود را سراینده آن معرفی می کند. حاضران که ناباورانه به وی نگاه می کنند و در صدد امتحان او بر می آیند فوراً آنچه را که از وی طلب می کنند بیان می دارد. حریری اجابت سریع ابوزید را به یک چشم برهم زدن تشبیه کرده است: «...فَلَمْ يَكُنْ إِلَّا كَلَمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ».^{۲۷}

متن یاد شده به آیه ۷۷ سوره نحل (وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) اشاره دارد و این که خداوند عالم غیب است و انجام کارهای شگرف از سوی او در یک چشم بر هم زدن ممکن می گردد. در عبارت فوق، بر توانایی ابوزید در شعر سرایی در سریع ترین وقت ممکن تأکید شده است. حریری با تشبیه زیبای سرعت بداهه گویی اش به لمح بصر تصویرپردازی شفاف را در سخن به کار برده است.

۲- در مقامه «اسکندرائیه» وقتی که ابوزید و همسرش برای رفع اختلاف زناشویی بر حاکم اسکندرانیه وارد می شوند، ابوزید با سرودن اشعاری خود را شاعری معرفی می کند که کلمات را چون در به هم متصل می کند و زیباترین اشعار را می سراید. راوی که خود یکی از حاضران مجلس است ابوزید را شناسایی می کند؛ اما رازش را پنهان نمی کند: «...قال الراوی: ثم أشفقت من عثور القاضي على بهتانه وتزويق لسانه فلا يرى عند عرفانه أن يرشحه لإحسانه فأحجمت عن القول إجمام المراتب وطويت ذكره كطي السجل للكتاب».^{۲۸}

«كَطَيَّ السَّجِلَّ لِلْكِتَابِ» اشاره به آیه ۱۰۴ انبیاء (يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ) است که در آن حریری پنهان ساختن أَسْرَارَ را به پیچاندن نوشته ها توسط کاغذ تشبیه نموده است. این در حالیست که پروردگار این تشبیه را برای مقرب ساختن تصویر قیامت و پیچانده شدن آسمان ذکر کرده بود.

ج- توصیف یا تشریح معنی قبل

در این نمونه، عبارت قرآنی یا بخشی از حدیث در پی عبارات اصلی می آید و به توصیف آن می پردازد. گاهی هدف فقط توضیح کلمه ای از عبارت پیشین است، گاه تشریح عبارتی و گاه توصیف شخصیتهای است. در این

۲۶ - رسمی، نوای غیب در پرده ی راز، ۲۸۱.

۲۷ - القیسی الشریعی، شرح مقامات الحریری، ۸۱/۱.

۲۸ - القیسی الشریعی، شرح مقامات الحریری، ۲۵۳/۱.

شیوه، بیشترین اهدافی که با آن همراه است، معمولاً به قصد استناد و استشهاد، تبیین و توضیح یا تعلیل و توجیه است.^{۲۹}

۱- در مقامه «طیبیه» راوی مقامات حارث بن همّام برای توصیف و تشریح معنی جملات خویش حدیثی را از رسول اکرم (ص) اقتباس کرده و در مقامه خویش گنجانده است، آنجا که به توصیف مصاحبت و همراهی خویش با «قوم بنی شیبیه» هنگام رفتن به مدینه می پردازد:

«...أَنْ أَقْصِدَ طَيْبَةً مَعَ رُفْقَةٍ مِنْ بَنِي شَيْبَةَ لِأَزُورَ قَبْرَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَأُخْرَجَ مِنْ قَبِيلٍ مَنْ حَجَّ وَجَفَا».^{۳۰}

در متن یاد شده حریری مفهوم حدیث پیامبر (ص) را با هدف توصیف ادامه سفر خویش و همراه شدنش با قوم «قوم بنی شیبیه»، آورده است. قسطلانی در کتاب «المواهب اللدنیة» بعد از نقل روایت «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ وَلَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» می نویسد: تأمل در فقرة «فَقَدْ جَفَانِي» این را می رساند که ظهور در حرمت ترک زیارت دارد. زیارت واجب است؛ زیرا از بین بردن جفا واجب است پس کسی که امکان زیارت ایشان را داشته باشد، جفا کرده است.^{۳۱}

۲- در مقامه «مراغیه» که پیرامون فصاحت و بلاغت پیشینیان است. فردی از حاضران مجلس از میان جمع بر می خیزد و می گوید: که مدّت یک سال است که حاکم از او تقاضا کرده رساله ای در مدحش بنگارد که یکی از کلمات آن نقطه دار و دیگری بدون نقطه باشد؛ اما نه خود توانسته مطلبی بنویسد و نه توانسته کسی را بیابد که این کار را انجام دهد و شیخ را مخاطب قرار می دهد: «...إِنْ كُنْتَ صَدَعْتَ عَنْ وَصْفِكَ بِالْيَقِينِ، فَأَتِ بَايَةَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ».^{۳۲}

حریری در متن یاد شده بخشی از آیه ۱۵۴ سوره شعراء (مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَايَةَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ) را برای توصیف و تشریح معنی جمله قبل می آورد، بدین گونه که از ابوزید می خواهد برای اثبات ویژگی های خود که همان برخورداری از فصاحت و بلاغت است نشانه ای بیاورد.

د-تنظیر یا تأکید و تأیید معنی قبل

در این شیوه، هدف تأکید و تأیید سخن است. بنابراین، آنچه در قالب آیه یا حدیث در نثر قرار می گیرد، در ادامه معنای سخن می آید و آن را با تکرار لفظ مؤکد می کند.^{۳۳}

۱- در مقامه «نصبیه» راوی مقامات به همراه برخی از دوستان ابوزید سروجی به منظور عیادت ابوزید که در بستر بیماری افتاده بود، راهی منزلش می شوند. ابوزید که به تازگی از بند بیماری جانکاه رهایی یافته بود از عیادت کنندگان تقاضا کرد که تا مدت زمان بیشتری را نزد وی بمانند و از این طریق روحیه وی را تقویت کنند و هنگامی که خواب نیمروزی فرا می رسد از آنان می خواهد از این لحظه ناب نهایت استفاده را برای رفع خستگی ببرند:

۲۹ - علیخانی ثانی ابدال آبادی و میر، «شیوه های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی»، ۱۵۹.

۳۰ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۴۳۱/۲.

۳۱ - القسطلانی، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ۴۰۴/۳.

۳۲ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۱۶۵/۱.

۳۳ - علیخانی ثانی ابدال آبادی و میر، «شیوه های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی»، ۱۶۰.

«...قال: إِنَّ النَّعَاسَ قَدْ أَمَالَ الْأَعْنَاقَ وَرَاوَدَ الْأَمَاقَ وَهُوَ حَصْمٌ أَلْدُ وَخِطْبٌ لَا يُرْدُ فَصَلُّوا حَبْلَهُ بِالْقَيْلُولَةِ وَاقْتَدُوا فِيهِ بِالْآثَارِ الْمُنْقُولَةِ».^{۳۴}

در متن یاد شده حریری با ذکر واژه «قیلوله» به معنای خواب نیمروز از عیادت کنندگان درخواست خوابیدن می کند و برای اینکه سخن خود را تأکید کند از عبارت «واقْتَدُوا فِيهِ بِالْآثَارِ الْمُنْقُولَةِ» بهره می جوید تا با یادآوری حدیث پیامبر (ص) «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَا تُقِيلُ».^{۳۵} اهتمام و توجه آنها را در این زمینه جلب کند.

۲- در مقامه «ساویة» قهرمان بر جنازه مرده ای در قبرستان وارد می شود و به ملامت و موعظه تشییع کنندگان می پردازد. آنان در ظاهر می گریند؛ اما در باطن در اندیشه اموال میت هستند و گمان می کنند مرگ به سراغشان نمی آید. حریری پند و اندرز قهرمان را اینگونه به تصویر می کشد: «...وَتَقْتُم بِسَلَامَةِ الدَّاتِ أَوْ تَحَقَّقْتُمْ مُسَالَمَةَ هَادِمِ الدَّاتِ كَلَّا سَاءَ مَا تَتَوَهَّمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ!».^{۳۶}

در متن استشهد شده حریری آیه ۴ سوره تکوین (ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) را به عنوان تأیید و تأکید معنی جمله قبل یعنی (كَلَّا سَاءَ مَا تَتَوَهَّمُونَ) ذکر کرده است تا پند و اندرز خویش را با آیه ای از آیات قرآن کریم خاتمه داده باشد و و ذهن و قلب او را به سرانجام و عاقبت کارها سوق دهد و حس کنجکاوی و عبرت پذیری او را برانگیزاند. ۳- در مقامه «رازیة» قهرمان مقامات ابوزید در مقام تأیید سخنان راوی که وی را به صداقت در گفتار و اعمال مشهور عام و خاص می داند اینگونه سخن به میان می آورد:

«...عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ وَلَوْ أَنَّهُ أَحْرَقَكَ الصِّدْقُ بِنَارِ الْوَعِيدِ»^{۳۷}

به نظر می رسد بیت یاد شده برگرفته از کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه باشد که در آن ضرورت التزام به صداقت، ایمان معرفی شده است: «الإيمانُ أنْ تُؤثِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَصُرُّكَ عَلَى الكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ».^{۳۸}

۴- انواع اثر پذیری در مقامات حریری

۴-۱- اثر پذیری تلمیحی

تلمیح در لغت مصدر باب تفعیل است از اصل «لمح» به معنی جستن برق.^{۳۹} و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا آیه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره چنان که از معنایش بر می آید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در بر نگیرد. از این رو، برای درک بیت یا عبارتی که حاوی تلمیح است می باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی دانست.^{۴۰} در این شیوه از تأثیر پذیری، گوینده، خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته، راه می نماید. و وی را به کندوکاو و پرس و جو و می دارد. تفاوت آشکار اثر پذیری تلمیحی با

۳۴ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۷۶/۲.

۳۵ - ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۵۰۳/۱.

۳۶ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۳۱۹/۱.

۳۷ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۱۲۱/۲.

۳۸ - نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸.

۳۹ - قیس رازی، المعجم فی معاییر أشعار العجم، ۳۷۷.

۴۰ - شمیسا، فرهنگ تلمیحات، ۹.

الهامی-بنیادی نیز در همین نکته است. این نشانه و اشاره بیشتر یادکرد پاره ای از واژه های ویژه آیه یا حدیث است.^{۴۱}

۱-در مقامه «کوفیه»، راوی مقامه به گفتگویی اشاره می کند که میان ابوزید قهرمان مقامات و میزبانی جوان رخ می دهد. در این مقامه ابوزید از فرط خستگی و گرسنگی در پی مکانی برای استراحت است و در پی یافتن میزبانی است تا نیازهایش را برطرف سازد. میزبان در آن گفتگو با ذکر ایاتی که دال بر اهمیت مهمان نوازی در دین اسلام است و به داستان حضرت ابراهیم (ع) به عنوان پایه گذار میزبانی تلمیح شده است، عدم مهمان نوازی خویش را با ذکر دلایلی چون فقر و نداری توجیه می کند:

«...وَحُرْمَةُ الشَّيْخِ الَّذِي سَنَّ الْقَرَى وَأَسَسَ الْمَحْجُوجَ فِي أُمَّ الْقُرَى»^{۴۲}

متن یاد شده به داستان بنا و ساخت کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد. هدف این تلمیح یادآوری اهمیت جایگاه و منزلت مهمانداری در اسلام و نزد مسلمانان است.

۲-در مقامه «بصریه» نیز حریری از زبان راوی در وصف قهرمان مقامات ابوزید سروجی به یکی از شخصیت های قرآنی یعنی حضرت یعقوب (ع) که در فراق فرزندش حضرت یوسف (ع) بسیار گریست به شیوه اثرپذیری تلمیحی اشاره می کند: «...أَخَذَ يَهَيِّنُ بِدَرَسِهِ وَيَسْبِكُ يَوْمَهُ فِي قَالِبِ أَمْسِهِ وَفِي ضَمَنِ ذَلِكَ يُرْنُ إِرْنَانَ الرَّقُوبِ وَيَبْكِي وَلَا بُكَاءَ يَعْقُوبِ».^{۴۳}

در متن یاد شده حریری برای بزرگ نمایی در توصیف گریه ابوزید به مقایسه ی گریه ی وی با گریه ی حضرت یعقوب (ع) در هجران فرزندش یوسف (ع) پرداخته و گریه قهرمان را سوزناک تر از یعقوب دانسته است.

۴-۲- اثرپذیری تطبیقی

در این شیوه اثرپذیری که از یک دیدگاه به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، حریری آیه را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان باهم پیوندی ندارند، تطبیق می دهد، بی آنکه معنای ظاهری و اصلی آن را نقد و رد یا تأویل و توجیه کند. در این شیوه معمولاً معنی اصلی آیه را در نظر نمی گیرند و همین مهم ترین تفاوت تأویل با تطبیق است. یعنی تأویل یا گونه ای چاره جویی است برای به دست آوردن معنایی خردپسند و دلچسب از آیه یا حدیثی که پذیرش معنی ظاهری آن دور و دشوار می باشد، و یا گونه ای ژرف کاوی است برای راهیابی به لایه های درونی آیه یا حدیث، حتی آنجا که پذیرش معنی ظاهری نیز هیچ دور و دشوار نباشد؛ اما تطبیق نه چاره جویی است و نه حتی ژرف کاوی و باطن پژوهی، بلکه گونه ای نکته پردازی و ذوق انگیزی است برای پیوند دادن دو چیز و تطبیق یکی از آنها با دیگری؛ دو چیزی که به ظاهر باهم پیوندی ندارند؛ نظیر پیوندهای تشبیهی و تمثیلی که میان دو چیز برقرار می شود.^{۴۴} در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

۴۱ - راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۳۴.

۴۲ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۱۴۵/۱.

۴۳ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۴۷۷/۳.

۴۴ - راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۶۰.

۱- در مقامه «اسکندرانیه» که موضوعش مراجعه ابوزید و همسرش نزد حاکم اسکندرانیه به منظور قضاوت و داوری میان آنهاست، پس از رفتن آن دو از پیش حاکم، حاکم آرزو می کند که ای کاش آنها بار دیگر باز می گشتند تا آنها را به شکل دیگری مورد اکرام و احترام قرار می داد، راوی این صحنه را اینگونه روایت می کند:

«...فَقَالَ لَهُ الْقَاضِي: أَمَا إِنَّهُ لَوْ حَضَرَ لَكُنْفِي الْحَذَرَ، ثُمَّ لِأَوْلَيْتُهُ مَا هُوَ بِه أَوْلَى وَلَا رَيْتُهُ أَنَّ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْأُولَى».^{۴۵}

در متن فوق که برگرفته از آیه چهارم سوره ضحی (وَلَاخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى) است نکته پردازی و ذوق انگیزی حریری به منظور پیوند دادن عطای مادی دوم با آخرت جاودان و همیشگی کاملاً هویداست وی عطای دوم را که به ظاهر چندان ربط واضح و ملموسی با آخرت ندارد برای آنکه متفاوت تر از عطای اول نشان دهد از راه ذوق ادبی به تطبیق پرداخته است تا بدین گونه گیرایی متنش را دو چندان سازد.

۲- در مقامه «ساویة» قهرمان مقامات ابوزید خطاب به تشیع کنندگان در قبرستان در باب موعظه و نصیحت سخنان ارزشمندی می گوید تا آنها را از سرگرم شدن به امور دنیوی دور ساخته و توجه و اهتمام آنها را به سرای آخرت جلب سازد:

«...وَضَحِكْتُمْ عِنْدَ الدَّفْنِ وَلَا ضَحِكْتُمْ سَاعَةَ الرَّقْنِ وَتَبَخَّرْتُمْ خَلْفَ الْجَنَائِزِ وَلَا تَبَخَّرْتُمْ يَوْمَ قَبْضِ الْجَوَائِزِ».^{۴۶}

در متن یاد شده عبارت «وَضَحِكْتُمْ عِنْدَ الدَّفْنِ» یادآور حدیثی از پیامبر خدا (ص) است که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهْتَهُنَّ لِأَوْصِيَائِي مِنْ وَلَدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي، الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ وَالرَّفْثُ فِي الصَّوْمِ وَالْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ وَإِتْيَانُ الْمَسْجِدِ جُبْنًا وَالتَّطَلُّعُ فِي الدَّوْرِ وَالضَّحْكَ بَيْنَ الْقُبُورِ».^{۴۷}

اثرپذیری حریری از این حدیث پیامبر اکرم (ص) در مقامه یاد شده از نوع تطبیقی است؛ زیرا پیامبر (ص) حدیث مذکور را برای برشمردن احکام مکروه و نهی شده از سوی خداوند برای مسلمان ذکر کرده است، در حالی که حریری معنای ظاهری و اصلی حدیث فوق را بدون آنکه نقد و یا رد و تأویل کند بر موردی ویژه در مقامه خود تطبیق داده است. حریری در این مقامه خندیدن در قبرستان را به عنوان یکی از نشانه های افراد متکبر و مغرور و بی توجه به آخرت آورده است؛ اما در حدیث یاد شده خندیدن به دلیل آنکه ممکن است باعث رنجش خاطر بازماندگان متوفی شود و یا نوعی بی احترامی به انسان مرده تلقی شود، از سوی خداوند مکروه اعلام شده است.

۳-۴- اثرپذیری واژگانی

۴۵ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۲۵۴/۱.

۴۶ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۳۱۸/۱.

۴۷ - حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ۲۰۹/۲.

الفاظ، مادهٔ اولیه ای است که هر ادیبی می تواند با آن، تصوّر خود را از هستی ارائه دهد، در واقع نسبت ادیب به واژگان همانند نقاش به رنگ است، و همانگونه که هنرمند با دسترسی به رنگ و استفاده از هنر و زبردستی خود می تواند تابلو واژه ای زیبا را بیافریند، نویسنده و شاعر نیز با استفاده ادیبانه از واژگان می تواند متنی زیبا را خلق کنند.^{۴۸} حریری در به کارگیری پاره ای از واژه ها و ترکیب ها و امدهار قرآن است؛ وی واژه ها و ترکیب هایی را در مقامات خویش می آورد که ریشه قرآنی دارند. اثرپذیری واژگانی در مقامات حریری به دو شیوهٔ وام گیری و برآیند سازی صورت می گیرد:

أ- وام گیری

در این شیوه، واژه یا ترکیبی از قرآن یا حدیث با همان ساختار عربی خود، بی هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند به متن راه می یابد.^{۴۹}

۱- در مقامه «رملیة» اثرپذیری واژگانی از نوع وام گیری وجود دارد به عنوان مثال حریری از زبان قهرمان مقامات خود ابوزید سروجی خطاب به کاروان حجاج در مقام پند و اندرز می گوید:

«...وَبَادِرِ الْمَوْتِ بِالْحُسْنَى تَقَدَّمُهَا فَمَا يَنْهَنَهُ دَاعِيَ الْمَوْتِ إِنْ فَاجَا»^{۵۰}

در اینجا حریری از حادثه هولناک قیامت سخن به میان می آورد، و بحث مذکور را با آوردن این سخن از حضرت علی (ع) «بَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنْ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ»؛^{۵۱} که اشاره به قیامت است، یاد آور می شود. عبارت یاد شده با اندک تغییری که عبارتست از تبدیل صیغه جمع مذکر غائب به مفرد مذکر مخاطب، با هدف هشدار دادن به مخاطب از وقوع چنین حادثه ای در آینده ای نزدیک به بهترین شکل وام گیری واژگانی را امکان پذیر ساخته است.

در عبارت یاد شده، حریری با صراحت نهی نکرده است، بلکه شنونده و خواننده را از حوادث پر هول و هراس قیامت ترسانده و بر حذر داشته است. به عبارت دیگر، آنچه که در این عبارت مطرح شده است، نیازمند استدلال و شرح و تفسیر نیست؛ زیرا مخاطب در حقیقت موضوع تردیدی ندارد و استشهاد و تمسک گوینده به آیه بیشتر برای آن است که پرهیز او را در زمینه سهل انگاری تقویت کند. حریری افزون بر اقتباس واژگانی، از درون مایه نیز بهره برده است، وی با یادآوری قیامت و پایان پذیرفتن این دنیای فانی، خواننده را در یک فضای معنوی قرار داده و او را به فکر کردن در اعمال و رفتار خود وادارد.

۲- حریری در مقامه «رازیه» از زبان ابو زید که در حال نصیحت کردن است از حارث راوی مقامات می خواهد تا طالب رضای حق تعالی باشد و نادان ترین مردم را کسی می داند که مولای خود را به خشم آورده و در پی جلب رضایت مردم باشد:

«...وَابِعِ رِضَى اللَّهِ فَأَغْبَى الْوَرَى مِنْ أَسْحَطِ الْمَوْلَى وَأَرْضَى الْعَبِيد»^{۵۲}

۴۸ - مرتاض، «فكرة السورقات الأدبية نظرية التناص»، ۳۷۰.

۴۹ - راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۱۵-۱۶.

۵۰ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۴۱۹/۲.

۵۱ - نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳.

۵۲ - القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۱۲۲/۲.

بیت یاد شده از سخن حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اقتباس شده که فرموده است: «وَلَا تُسَخِّطِ اللّٰهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِهِ».^{۵۳}

در وام گیری فوق حریری فعل نهی «لا تسخط» را با اندکی تغییر به صورت فعل ماضی «أسخط» و واژه «رضا» را که مجرور به حرف جر «باء» است به صورت فعل ماضی «أرضی» و معطوف بر «أسخط» آورده است.

ب- برآیند سازی

در این شیوه واژه یا ترکیبی بی آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن یا حدیث آمده باشد، بر پایه مضمون آیه، حدیث یا داستان قرآنی - حدیثی ساخته می شود، به دیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده ای است از آیه یا حدیث.^{۵۴}

۱- حریری در مقامه «صعديه» در زمینه دعوت به صبر سروده است:

«...واصبر علی ما ناب من فاقه صبر أولی العزم وأغمض علیة»^{۵۵}

۲- و نیز در مقامه «نصیبیه» سروده است:

«...فأصبر إذا ما ناب رو ع فالزمان أبو العجب»^{۵۶}

به نظر می رسد ابیات فوق ناظر بر این سخن حضرت علی (ع) هستند که صبر را قادر بر دور کردن اندوه ها می داند: «اطرُحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الهمومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ».^{۵۷} در بیت های یاد شده، حریری ترکیب «أولی العزم» و جمله اسمیه «الزمان أبو العجب» را به شیوه برآیند سازی بر پایه مضمون کلام امیرالمؤمنین (ع) ساخته است.

۳- حریری در مقامه «سمرقندیة» و ضمن گفتگویی که از زبان قهرمان و در زمینه توجیه مکر و نیرنگ، میان راوی و قهرمان رخ می دهد مخاطب را به مدارا کردن با مردم و صبر بر اخلاق ایشان دعوت می کند و عاقل را کسی می داند که اهل مدارا باشد:

«...واصبر علی خُلُقِ مَنْ تُعَاشِرُهُ وَدَارِهِ فَاللیبِیُّ بٌ مِّنْ دَارِی»^{۵۸}

بیت یاد شده به نظر می رسد که از سخن امام علی (ع) گرفته شده باشد که در بیانی شخص مدارا کننده را حکیم می شمارد: «لِیسَ الْحَکِیْمُ مَن لَّمْ یُدَارِ مَن لَّا یَجِدُ بُدًّا مِّنْ مُدَارَاتِهِ».^{۵۹}

حریری در بیت یاد شده فعل ماضی اشباع شده «دارا» را که از کلام امام و واژه «مداراة» مصدر باب مفاعله گرفته شده، از طریق برآیند سازی در بیت خویش به کار برده است. افزون بر این، حریری واژه «لیب» به کار رفته در بیت خویش را جانشین «حکیم» موجود در کلام امام (ع) ساخته است.

۴-۴- اثرپذیری الهامی بنیادی

۵۳ - نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۵۴ - راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۱۸.

۵۵ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۸۹/۳.

۵۶ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۸۲/۲.

۵۷ - نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵۸ - القیسی الشریشی، شرح مقامات الحریری، ۳۵۰/۲.

۵۹ - مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار (ع)، ۵۷/۷۵.

در این شیوه، حریری مایه و پایه سخن خویش را از آیه الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند، پیوندی گاه تا آنجا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد (مضمون‌گیری) از آیه و حدیث نشان می‌دهد و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثرپذیری را دشوار می‌سازد.^{۶۰} یکی از موضوعات مهمی که در مقامات بسیار الهام آور حریری شده، ذکر و یاد مرگ است.

۱- حریری در مقامات خویش به مرگ پیش از فرا رسیدن موعد آن، دعوت می‌کند. او در مقامه «بصریه» و از زبان ابو زید در نصیحتش به حارث راوی مقامات از وی می‌خواهد تا مرگ را نصب العین خود قرار دهد: «...فَقَالَ: اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ، وَهَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ».^{۶۱}

به نظر بیت یاد شده الهام گرفته از این سخن حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: «فاحذروا عباد الله الموت وَفُرْبَهُ وَأَعِدُوا لَهُ عِدَّتَهُ فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرٍ عَظِيمٍ».^{۶۲}

۲- حریری در مقامه «صعدیه» از زبان راوی مقامات حارث بن همّام که در جستجوی سرآمد مردم در نیکی و خیرات است توسط مردم شهر صعده سر از قاضی شهر در می‌آورد، حارث آن قاضی را که همان ابوزید سروجی قهرمان مقامات است، اینگونه توصیف می‌کند:

«...فَنُعِتَ لِي قَاضٍ بِهَا رَحِيبُ الْبَاعِ خَصِيبُ الرَّبَاعِ تَمِيمِيُّ النَّسَبِ وَالطَّبَاعِ فَلَمْ أَزَلْ أَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِالْإِلْمَامِ وَأَتَنَفَّقُ عَلَيْهِ بِالْإِجْمَامِ حَتَّى صِرْتُ صَدَى صَوْتِهِ وَسَلْمَانَ بَيْتِهِ».^{۶۳}

حریری در متن یاد شده عبارت «سلمان بیته» را از راه الهام از حدیث مشهور پیامبر اکرم (ص) که فرموده است: «سلمان منّا اهل البيت» اقتباس کرده است.^{۶۴}

۴-۵- اثرپذیری گزارشی

حریری گاه تحت تأثیر یک متن از آیه قرار می‌گیرد و مانند تأثیرپذیری واژگانی منحصر به واژه‌ای خاص نمی‌شود. این نوع تأثیرپذیری اشکال مختلفی دارد، گاه حریری مضمونی از آیه را به قلم خود گزارش می‌کند و گاه بدون هیچ کم و کاستی نقل می‌کند. در اثرپذیری گزارشی، حریری مضمون آیه را به شیوه تفسیر گزارش می‌کند. در این شیوه حریری آیه یا مضمون آن را باز می‌گشاید، می‌گسترده و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد.^{۶۵} در ذیل به نمونه‌ای از این کاربست اشاره می‌شود:

۱- حریری در یکی از ابیات زیبای مقامه «ساویّه»، مرگ را یادآور شده و به شیوه جان بخشی به اشیای بی جان از انسان می‌پرسد مگر مرگ تو را صدا نزده و صدایش را به گوشت نرسانده است:

«...أَمَا نَادَى بِكَ الْمَوْتُ أَمَا أَسْمَعَكَ الصَّوْتِ

۶۰- راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۴۷.

۶۱- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۴۷۷/۳.

۶۲- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۶۳- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۸۱/۳.

۶۴- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۲۷/۲.

۶۵- راستگو، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ۳۸.

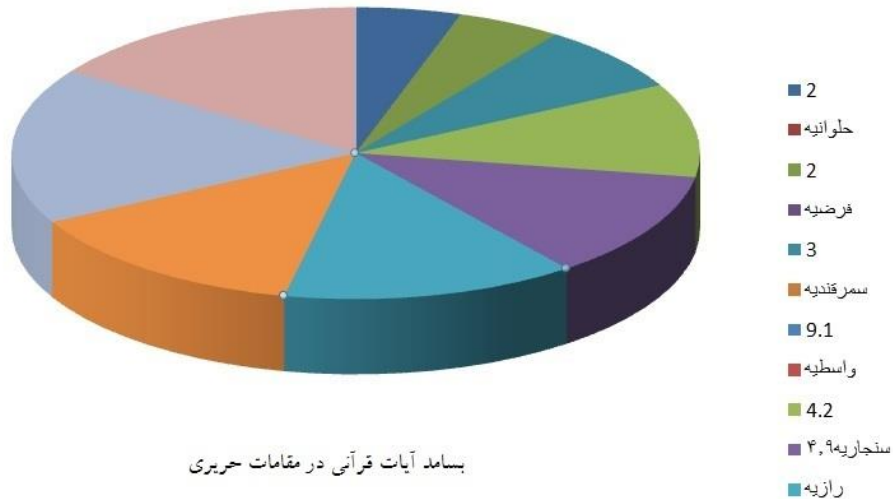
به نظر می رسد حریری در بیت مذکور به سخن حضرت علی (ع) نظر داشته و آن را به صورت تقریر و گزارش در شعر خویش ذکر کرده است؛ زیرا حضرت یاد مرگ را فراهم کردن توشه و انجام نیکی ها به شمار می آورد: «وَمَنْ اِزْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ اِلَى الْخَيْرَاتِ».^{۶۷}

۲- حریری در بیتی دیگر از همان مقامه، رسیدن مرگ به انسان را قطعی می داند:

«...فَتَلْفَى كَمَنْ اغْتَرَّ بِأَفْعَى تَنْفُ السَّمِّ

وَحَفْضٌ مِنْ تَرَايِكٍ فَإِنَّ الْمَوْتَ لَا يَكِيكُ»^{۶۸}

به نظر می رسد بیت فوق را حریری از این سخن حضرت علی است که می فرماید: «وَأَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ إِنْ أَقَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ وَإِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ وَهُوَ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمْ».^{۶۹} أخذ کرده و به صورت تقریر و گزارش در مقامه خود گنجانده است.

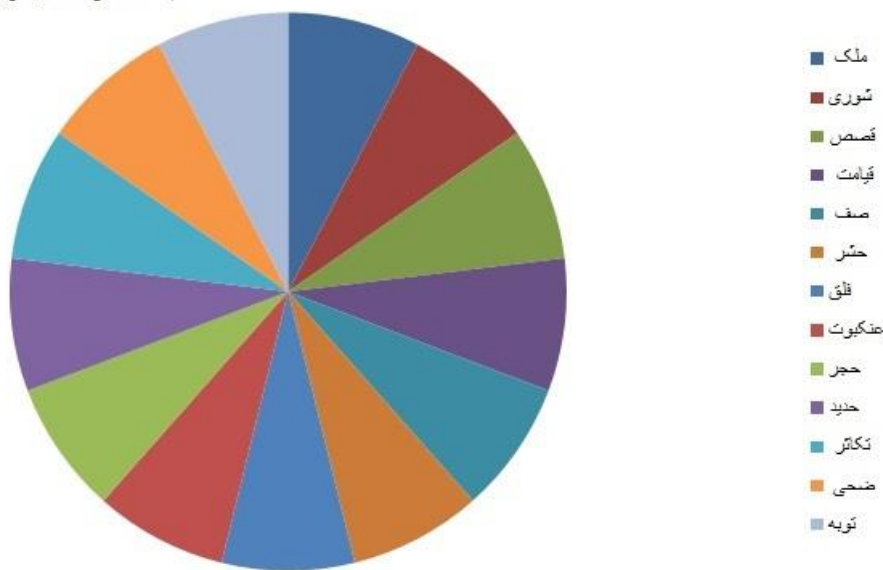


۶۶- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۳۲۰/۱.

۶۷- نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۶۸- القیسی الشریسی، شرح مقامات الحریری، ۳۲۶/۱.

۶۹- نهج البلاغه، نامه ۲۷.



نتیجه گیری:

یکی از اصلی ترین کارکردهای آیات قرآنی در مقامات حریری کارکرد ادبی بلاغی است یعنی حریری با رویکردی ادبی آیات قرآن را برای زیبایی بیشتر مقامات خود به کار می برد و از این طریق به بلاغت مقامات خود می افزاید. افزون بر این بهره گیری از مقولات یاد شده به مقامات او عمق و عظمت بخشیده و سبب ماندگاری آنها شده است. تأثیرات حریری از محتوای قرآن و احادیث غنابخش مقامات او شده است. همین غنای اندیشه از محاسن نثر او محسوب می شود؛ اما اصالت زیبا شناختی نثر حریری در کنار آیات صرفا مدیون محتوا نیست، بلکه حریری برای غنای محتوا از عنصر تلمیح سود می جوید و اندیشه زیبا در کنار این عنصر زیباشناختی، اصالت سبکی زیباشناختی ادبیات قرآنی او را رقم می زند.

زبان مقامات او سرشار از تصویرهای خیال انگیز مثل تشبیه، استعاره، مجاز و... است. حریری با تکیه بر همین قدرت تصویرسازی ادیبانه، مضامین قرآنی را با مهارت خاصی در مقامات خود منعکس ساخته است. گاهی اوقات ترکیباتی از قرآن را در مقامات خود می آورد تا علاوه بر تزئین و تجمیل کلام خود، بر غنای معنایی و ادبی آن بیافزاید. این شگرد در مقامات وی بسامد بالایی دارد و حریری از این طریق ضمن یادآوری آیه و اقتباس از آن، دست به ترکیب سازی می زند.

او به شیوه های متفاوتی از قرآن تاثیر پذیرفته است. وی برای نفوذ سخن خود، گاه بخشی از آیه یا حدیث، و گاه معنا و مفهوم آنها را در مقامات خود ذکر کرده است و گاهی نیز سخن او به آیه یا قصه ای از قرآن تلمیح دارد. تأثیر آیات قرآن در مقامات حریری هم در حوزه معنایی و هم در حوزه بلاغی و آراستن کلام ادبی دیده می شود. اثرپذیری تلمیحی، اثرپذیری تطبیقی، اثرپذیری واژگانی با هر دو نوع آن؛ وام گیری و برآیند سازی، اثرپذیری الهامی - بنیادی و اثرپذیری گزارشی بیشتر مورد توجه حریری بوده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی. ناشر: محمد امین، ۱۳۹۵هـ.
- آلن، گراهام. بینامتنیت. ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: مرکز، ۱۳۸۰هـ.
- ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه، چهار جلدی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن رشیق قیروانی، أبوعلی الحسن. قراضة الذهب فی أشعار العرب. تحقیق: الشاذلی بویحیی. التونس: الشركة التونسية للتوزيع، ۱۹۷۲م.
- ترمذی، محمد بن عیسی. الصحیح الترمذی. تصحیح و تنظیم: احمد محمد شاکر. قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
- التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم. مصحح: مصطفی درایتی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶هـ.
- ثابت الفندی، محمد. دایرة المعارف الاسلامیة. قاهره، ۱۹۴۴م.
- حرّ العاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۶۷.
- حلبی، علی اصغر. تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: انتشارات اساطیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۵هـ.
- خطیبی، حسین. فن نثر در ادب فارسی. تهران: سخن، ۱۳۷۴هـ.
- راستگو، سید محمد. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- رسمی، سکینه. نوای غیب در پرده ی راز. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰هـ.
- رضائی حمزه کندي، وحید. الشعر العربي وشعراؤه في آذربيجان، شعراي عربي سراي آذربيجان. ارومیه: نشر بوته، ۱۳۸۹هـ.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الإیتقان فی علوم القرآن. تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم. قم: شریف الرضی، ۱۴۱۴ق.
- شمیسا، سیروس. کلیات سبک شناسی. تهران: میترا، ۱۳۸۲هـ.
- شمیسا، سیروس. فرهنگ تلمیحات. تهران: نشر میترا، ۱۳۸۶هـ.
- شهاب الدین محمود، أبو الثناء محمد ابن سلیمان بن فهد. حسن التوسّل إلى صناعة الترسّل. قاهره: چاپخانه الوهیبیة، ۱۸۲۸م.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. جزء ۱. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- القسطلانی، احمد بن محمد. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة. ج ۳. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.
- قیس رازی، شمس الدین محمد. المعجم فی معاییر أشعار العجم. تهران: علم، ۱۳۸۸هـ.

القيسي الشريشي، أبو العباس أحمد بن عبد المؤمن بن موسى. شرح مقامات الحريري. ثلاثة أجزاء. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٩٨م.

مجلسي، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار (ع). بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.

محقق، مهدي. تحليل اشعار ناصر خسرو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٤٤هـ.

ميبدي، أحمد بن محمد. كشف الأسرار وعدة الأبرار معروف به تفسير خواجه عبدالله أنصاري. جلد سوم. تهران: امير كبير، چاپ پنجم، ١٣٧١ش.

مقالات و پایان نامه ها

عليخانی ثانی ابدال آبادی، فاطمة و مير، محمد. «شيوه های کاربرد آیات و احاديث در تاريخ جهانگشای جوينی». متن پژوهی ادبی. سال ٢٠. شماره ٦٩ (١٣٩٥هـ): صص ١٥٣-١٨٠. [10.22054/LTR.2016.6845](https://doi.org/10.22054/LTR.2016.6845).

فوكو، ميشل. «نقد چیست؟». ترجمه: محمد سعيد حنايي كاشاني. فصلنامه ارغنون. شماره ١٥ (١٣٨٣هـ): صص ٢٣١-٢٥٨.

مرتاض، عبد الملك. «فكرة السرقات الأدبية نظرية التناص». جده. مجلة علامات. النّادى الأدبى الثقافى (١٩٩١م).

Sources and Reference:

Books

The Holy Quran

Nahj al-Balagha (1395), translator: Mohammad Dashti, publisher: Mohammad Amin, [in Persian].

Allen, Graham (1380), intertextuality, translation: Payam Yazdanjo, Tehran: Center, [in Persian].

Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali (1413 AH), Man La Yahdrah al-Faqih, second edition, four volumes, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, [in Arabic].

Ibn Rasheeq Qairawani, Abu Ali Al-Hassan (1972), Qarada Al-Dhahab Fi Ashar Al-Arab, research: Al-Shazli Bouyahya, Tunisia: Al-Tunsia Company for Distribution, [in Arabic].

Tirmidhi, Muhammad Ibn Isa (1419 AH), Sahih al-Tirmidhi, revised and edited by: Ahmad Muhammad Shakir, Cairo: Dar al-Hadith, [in Arabic].

Al-Tamimi Al-Amedi, Abd al-Wahed bin Muhammad (1366 AH), Tasnif Ghorar al-Hekam & Dorar al-Kelam, edited by Mustafa Deraiti, first edition, Qom: School of Islamic Studies, [in Arabic].

Thabit al-Fandi, Muhammad (1944), Islamic Encyclopedia, Cairo, [in Arabic].

Horr al-Amili, Muhammad bin Hasan (1367), Al-Wasal al-Shi'a, Qom: Al-Al-Bayt (AS) Institute for Revival of Tradition, [in Arabic].

Halabi, Ali Asghar (1385), The Influence of Quran and Hadith in Persian Literature, 4th edition, Tehran: Asatir Publications, [in Persian].

Khatibi, Hossein (1374), *The Art of Prose in Persian Literature*, Tehran: Sokhn,[in Persian].

Rastgo, Seyyed Mohammad (1376), *Manifestation of Qur'an and Hadith in Persian Poetry*, Tehran: Samt,[in Persian].

Rasmi, Sakineh (1380), *Navayeh Ghaib Dar Pardeyeh Raz*, first edition, Tehran: Center for Recognizing Islam and Iran,[in Persian].

Rezai Hamzeh Kendi, Vahid (1389), *Arabic poetry and His Poems in Azerbaijan, Arabic poets of Azerbaijan*, first edition, orumiyyeh: Buta Publishing,[in Persian].

Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1414), *Al-Etqan fi Ulum al-Qur'an*, research: Muhammad Abolfazl Ibrahim, Qom: Sharif al-Razi,[in Arabic].

Shamisa, Siros (1382), *Generalities of stylistics*, Tehran: Mitra,[in Persian].

Shamisa, Siros (1386), *Farhang Talmihat*, Tehran: Mitra Publishing,[in Persian].

Shahab al-Din Mahmud, Abu al-Sana Muhammad ibn Sulaiman ibn Fahd (1828), *Hosn al-Tavassol Ela Senaatol al-Tarssol*, Cairo: Al-Wahhabiyyeh Publishing,[in Arabic].

Tabarsi, Fazl bin Hassan (1415 AH), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Part 1, Beirut: Al-Alami Foundation for Publications,[in Arabic].

Al-Qastlani, Ahmad bin Muhammad (2008), *Al-Muhabeh al-Dunniyyah with the gifts of al-Muhammadiyah*, 1st edition, vol. 3, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya,[in Arabic].

Qais Razi, Shams al-Din Mohammad (1388), *al-Mu'ajm fi ma'ayir al-Ajm poems*, Tehran: Alam,[in Arabic].

Al-Qaisi Al-Shrishi, Abu Al-Abbas Ahmed bin Abdul-Momen bin Musa (1998 AD), first edition, three parts, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmia,[in Arabic].

Majlesi, Muhammad Baqir (1403), *Behar al-Anwar al-Jameaeh Ledorar Akhbar AEmat al-Athar (AS)*, Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi,[in Arabic].

Mohaghegh, Mahdi (1344), *Analysis of Nasser Khosrow's Poems*, Tehran: Tehran University Press,[in Persian].

Meybodi, Ahmed bin Mohammad (1371), *Kashf al-Asrar and Addah al-Abrar*, known as Khwaja Abdullah Ansari's Tafsir, fifth edition, third volume, Tehran: Amir Kabir,[in Arabic].

Article & Theses

Alikhani Thani Abdalabadi, Fatimah and Mir, Muhammad (1395), a collection of verses and hadiths in the history of Chahangshai Jovini, literary text, volume 20, note 69, pp. 153-180,[in Persian].

Foucault, Michel. "What is criticism?". Translation: Mohammad Saeed Hanai Kashani. Organon Quarterly. Number 15 (2013): pp. 231-258,[in Persian].

Mortaz, Abdul Malek (1991), The concept of literary plagiarism, the theory of intertextuality, Jeddah, Magazin -AaLamat, Al-Nadi Aladabi Al-Thaqafi,[in Arabic].

نسخه
پیش
انتشار

نسخه پیش انتشار